■ سینه ستبر تاریخ مالامال از خاطرات حیات و ممات مردان مردی است که روحشان فراتر از زمان و عرصه فراخ زمین تنگ‌تر از قلب سرشار از عشقشان بوده است.

زندگینامه شهید سپهبد علی صیاد شیرازی

سینه ستبر تاریخ مالامال از خاطرات حیات و ممات مردان مردی است که روحشان فراتر از زمان و عرصه فراخ زمین تنگ‌تر از قلب سرشار از عشقشان بوده است. عشق به یگانه هستی بخش که اشتیاق لقائش آرام از جسم و جان آن‌ها گرفته و سر سودایی‌شان را همواره بر آستان داشته است.

امیر کم‌نظیر ارتش اسلام سپهبد علی صیاد شیرازی یکی از این پر و بال سوختگان وصال نور است که لباس زیبای شهادت زیبنده قامتش وکمترین مزد اخلاص، فداکاری و ایثار و پروانگی اوست.

سردار سرافراز جبهه توحید و سیبچی آشنای جبهه‌های افتخار و شرف و نور، این سردار هم بیدار و جهادگر عرصه‌های پیکار و شیر بیشه شجاعت و ایثار و عاشق بی‌قرار و اسوه اخلاص و استقامت با صدق و صفا، پس از عمری جهاد خالصانه و جانبازی در خطوط مقدم دفاع از اسلام و ولایت ، با پیکر خونین و چهره رنگین و مخضوب به دیار معشوق شتافت و شهید شاهد جوار حضرت حق گردید و اجر و پاداش آن همه اخلاص و ایثار را در همین دنیای فانی نیز گرفت.

تجلیل و گرامیداشت تمام برجستگان ملت و تقدیر امت اسلام در تشییع با شکوه و کم‌نظیر این سرباز فداکار اسلام گواه این مدعا است. او عاشق دلسوخته‌ای بود که در گستره خونین جبهه‌های نبرد از کوه‌های سر به فلک کشیده کردستان تا دشت‌های تفتیده خوزستان به جهاد و نماز و نیایش می‌پرداخت و در جهاد اکبرش اوج بندگی خویش را به نمایش می‌گذاشت.

او صدف خود را شکسته بود تا در ناب وجودش با اسلام و ولایت ظهور یابد. ادوار زندگی سرشار از خدمتش، به حق نمونه‌ای مجسم در خدمتگزاری بر این طریق بود و برای نیل به مقصود دمی آرام نداشت.

او فرماندهی متدین، جدی، امیدوار، سخت‌کوش، شجاع و با اخلاص و الگویی کم‌نظیر و برتر در خدمتگزاری و وفاداری به نظام و عشق به ولایت بود. زندگی مشحون از مجاهدات بی‌وقفه او با شهادت به اکمال رسیده است چون که این هنر مردان خدا شهید سپهبد علی صیاد شیرازی در سال ۱۳۲۳ در شهرستان درگز در استان خراسان دیده به جهان گشود.

او پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و دبیرستان وارد دانشکده افسری و در سال ۱۳۴۶ موفق به اخذ دانشنامه لیسانس از آن دانشکده شد. وی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی به مدت چندسال در بخشهای مختلف ارتش بویژه در غرب کشور به پاسداری از کشور پرداخت و در سازماندهی و فعالیت نیروهای انقلابی در ارتش تلاشی گسترده داشت.

شهید پس از پیام امام خمینی(ره) مبنی بر شناسایی نیروهای مخلص ارتش طاغوت، شناخته شد و به خاطر توان بالای سازماندهی اش مورد توجه حضرت امام و یاران انقلاب اسلامی قرار گرفت. وی پس از طی دوره تخصصی توپخانه در آمریکا با درجه ستوان یکم و سمت استادی، در مرکز آموزش خانه اصفهان به تدریس پرداخت و در همان شرایط به عنوان عنصری حزب اللهی در جهت سازماندهی نظامیان انقلابی فعالیت خود را آغاز کرد و تلاش‌های وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ساماندهی ارتش و ساختار نیروهای مسلح متجلّی از مهمترین اقدامات او پس از پیروزی انقلاب اسلامی و برپایی غائله کردستان، می توان به تهیه طرح های عملیاتی که منجر به شکستن حصر شهرهای سنندج و پادگان‌های مریوان، بانه و سقزشد ، اشاره کرد.

شهر سنندج با تشکیل ستاد عملیات مشترک ارتش و سپاه پاسداران توانست پس از ۲۱ روز مقاومت و دفاع از سوی مدافعان خویش ، کاملاً از تصرف و تسلط کردهای ضد انقلاب خارج شود. پس از تحقق و اجرای موفق این طرحها، شهید صیاد شیرازی، با دو درجه ارتقاء ، با درجه سرهنگ تمامی به فرماندهی عملیات غرب کشور منصوب شد.

وی در آخرین ماه های ریاست جمهوری بنی صدر به دلیل برخوردداری از روحیه انقلابی و مقابله با خیانت های او از سمت مذکور عزل گردید و پس از آن تا عزل بنی صدر و فرار مفتضحانه او به فرانسه به دعوت شهید کلاهدوز در ستاد مرکزی سپاه پاسداران به خدمت پرداخت.

شهید امیر سپهبد علی صیاد شیرازی پس از خلع بنی صدر، برای پایان دادن به ناهماهنگی ارتش و سپاه در آن دوران، قرارگاه مشترک عملیاتی سپاه و ارتش را راه اندازی کرد و به عنوان فرمانده ارشد در آن قرارگاه مشغول به فعالیت شد.

در مهر ماه سال ۱۳۶۰ به پیشنهاد رئیس شورای عالی دفاع از سوی امام خمینی(ره) به فرماندهی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی منصوب شد. در این منصب فرماندهی نیروهای ارتش اسلام در عملیات های پیروزمند ثامن الائمه، طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس را بر عهده داشت. یاد فاتح بزرگ فتح المبین و بیت المقدس فراموش ناشدنی است. چرا که فتح المبین و بیت المقدس از یاد نرفتنی است. عملیاتی که سرنوشت جبهه‌های اسلام علیه کفر را به پیروزی رقم زد و مسیر و روند جنگ تحمیلی را در مسیر پیروزی ارتش اسلام قرار داد. ایشان در ۲۲ تیرماه ۱۳۶۱ طی حکمی از سوی حضرت امام خمینی(ره) به عضویت شورای عالی دفاع منصوب شد.

در متن حکم حضرت امام خطاب به آن بزرگ‌مرد چنین آمده است: « برای فعال کردن هرچه بیشتر و بهتر قوای مسلح کشور ضرورت دارد از تجربه اشخاصی که در متن مسایل جنگ بوده‌اند، استفاده هر چه بیشتر بشود، بدین سبب سرکار سرهنگ صیادشیرازی و وزیر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را تا پایان جنگ به عضویت شورای عالی دفاع منصوب می‌نما یم.»

به دنبال مسئولیت خطیر شهید صیاد شیرازی در شورای عالی دفاع، با درخواست رئیس شورای عالی دفاع و موافقت حضرت امام خمینی(ره) در مرداد ماه سال ۱۳۶۵ ، مسئولیت فرماندهی نیروی زمینی ارتش به برادر دیگری واگذار گردید. حضرت امام(ره) در حکم فرمانده جدید نیروی زمینی ارتش پیرامون خدمات آن شهید سرافراز چنین فرمودند: «با تقدیر از زحمت های طاقت فرسای سرکار سرهنگ صیادشیرازی که با تعهد کامل به اسلام و جمهوری اسلامی در طول دفاع مقدس از هیچ‌گونه خدمتی به کشور اسلامی خودداری نکرده و امید است در آینده نیز در هر مقامی باشد، موفق به ادامه خدمت های ارزنده خود شود.

سپس در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۶۶ به همراه تعدادی دیگر از فرماندهان ارتش با پیشنهاد رئیس شورای عالی دفاع و موافقت امام خمینی(ره) به درجه سرتیپی ارتقای مقام یافت.

آن شهید والامقام در مهرماه سال ۱۳۶۸ به درخواست رئیس ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح و موافقت مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا به سمت معاونت بازرسی ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح منصوب شد.

امیر شجاع سپاه اسلام در شهریور ماه سال ۱۳۷۲ با حکم فرماندهی معظم کل قوا به سمت جانشین رئیس ستاد کل نیروهای مسلح منصوب گشت. تیمسار سرتیپ صیاد شیرازی در ۱۶ فروردین ۱۳۷۸ همزمان با عید خجسته غدیر با حکم مقام معظم فرماندهی کل قوا به درجه سرلشگری نایل آمد.

نقش او در ایجاد وحدت بین قوای مسلح کشور و نیروهای توانمند دفاعی و مهار دشمن و حفظ تمامیت ارضی کشور و فتح جبهه‌های حق علیه باطل در عملیات‌های ثامن الائمه ،طریق القدس، فتح المبین، بیت المقدس و دیگر عملیات‌های پیروزمند تا مرصاد و دفاع از حد و مرز میهن عزیز امی برکسی پوشیده نیست.

آری دشمن زبون چنین عنصر برجسته و موثر و شخصیت کم‌نظیر و سرمایه عظیمی را از امت اسلام گرفت و نظام را از گرمی وجودش بی بهره ساخت و کوردلان شب‌پرست، خناسان روزگار و پس مانده‌های زنم خورده مرصاد در صبح روز ۲۱ فروردین ۷۸ ، فاتح بزرگ فتح المبین و بیت المقدس را آماج تیرهای کینه خود قرار دادند و قامت استوار امیر ارتش اسلام را به خاک افکندند.

روح بلند و سرفرازش در آسمان ها پر کشید و به آرزوی دیرینه خویش که همانا شهادت در راه معبود و وصال معشوق بود، نائل گشت. بوسه بر تابوت حامل پیکر مطهر آن شهید والا مقام توسط قلب تپنده امت اسلام، رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) اوج تجلیل از مقام شامخ این شهید عاشق و سردارعشق و تمام شهیدان گلگون کفن انقلاب اسلامی و دوران دفاع مقدس است که امام شهیدان، خمینی کبیر بر بازوان پرتوان و دشمن شکن آنان بوسه می زد .

■ ۲۱ فروردین ماه مصادف است با سالگرد مرد پولادین ارتش اسلام آن شیر مردی که رهبر بر او بوسه زد و مردم در فراقش اشک ها ریختند و یاران حماسه از او باز گو نمودند و خون مطهرش درخت تنومند انقلاب را آبیاری نمود

آری همان امیر دلاور ارتش عشق شهید علی صیاد شیرازی ..... به امید آنکه ما را هم در آن دنیا شفاعت کند .....

"پیر ما گفت : شهادت هنر مردان است ."

با ساکنان بهشتی

■ شهید عیسی بهرامی سعادت آبادی

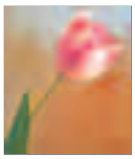

تاریخ تولد : ۱۳۳۲/۱۰/۲۰
تاریخ شهادت :۶۵/۳/۶
یگان اعزام کننده :بسیج
کارمند :شیلات
محل دفن : گلزار شهدای بندرعباس

پر ارزتی و توانا

همسرم اعتقاد داشت که جنگیدن در راه اسلام ادامه دادن راه امام حسین (ع) است. از حرام دوری می کرد و در انجام کارهای خود سیار مصمم و با اراده بود. از آغاز جنگ تحمیلی در جبهه خدمت کرد و بارها به خاطر تبحر در آموزشهای نظامی به لبنان و فلسطین سفر کرد. به هفت زبان زنده دنیا آشنایی داشت و به راحتی می توانست با مردم کشورهای دیگر ارتباط برقرار کند . با وجود اینکه تحصیلات بالایی نداشت . اما قدرت تعقل و فن بیان در کنار توانایی های نظامی و عقیدتی از او مردی ساخته بود که تمام نیرو و انرژی خود را در خدمت به جامعه اسلامی و مسلمانان جهان قرار داده بود .

آرزویی از صمیم قلب

مدت زیادی در کشور لبنان بود و به آموزش نیروهای نظامی می پرداخت . نذر کردم صحیح و سالم باز گردد. وقتی از لبنان برگشت و موضوع را به او گفتم خیلی ناراحت شد وگفت : من آرزو می کنم که شهید شوم آنوقت شما دعا می کنید سالم بمانم حرف آن روز همسرم مرا منقلب کرد . آری او از صمیم قلب آرزو داشت سعادت شهادت نصیبش شود و بالاخره هم به خواسته اش دست یافت .

ایستادن تا آخرین نفس

به خاطر دفعات حضورش در جبهه بارها مجروح شد و تمام بدنش پر از ترکش بود . وقتی از شدت درد به خود می پیچید از او خواستم تا به پزشک مراجعه کند . با همان حالت جواب داد: هنوز توان جنگیدن دارم . من باید تا آخرین نفس در راه اسلام و حفظ قرآن در مقابل دشمنان بایستم . آنوقت بلند شد ،وضو ساخت و به نماز ایستاد . جهره آرام و حضور قلب همسرم در نماز به گونه ای بود که گویی آثاری از درد در او نمی یافتم . نماز را وسیله آرامش و تسکین روحی خود می دانست و بیشتر اوقات فراغت خود را مشغول عبادت بود .

جلب رضایت دایه

همسرم دایه ای داشت که او را به دنیا آورده بود . آنقدر به دایه خود علاقه مند بود که هر چند وقت یک بار به دیدارش می رفت و برای او خرید می کرد . من از کارهای او تعجب می کرد وقتی علت این همه محبت را جویا می شدم می گفت: شاید مادرم وقت تولد من رضایت کامل دایه ام را برآورده نکرده باشد من وظیفه دارم او را از خودم راضی نگه دارم. اگر او نبود من به دنیا نمی آمدم . علاقه عیسی به کسانی که دوستشان می داشت قابل توصیف نیست فقط می دانم مهربانتر از او هیچ کجای دنیا سراغ ندارم .

■ **منبع : رویای عشق**

شهدا، آموزگارانی که بهترین کلاس درس را آفریدند

مریم حقیقت گو

■ **گفتگو با خانم فاطمه تندگویان خواهر شهید تندگویان به مناسبت سالگرد رجعت پیکر پاک شهید**

اگر شیعیان، چهارده معصوم(ع) را پیش رو دارند و اگر ایام ولادت و شهادت هر یک از آن معصومین را گرامی می‌دارند، بی‌شک باید هر یک از آنان را نیز الگو قرار داده و از راه، هدف و زندگی و شهادت آن بهره گیرند که اگر نبود حادثه خونین کربلا و ظهر عاشورا و تشنگی اهل بیت(ع) و اسارت آنان، ما چگونه شهادت عزیزانمان را تحمل می‌کردیم و باز هم اگر نبود غربت و اسارت امام موسی کاظم(ع) و شهادت ایشان در زندان، ما چگونه تاب می‌آوردیم شهادت عزیزانمان را در غربت و اسارت و این بار هم درسی دیگر از زندگی شهدا.

شهید مهندس محمدجواد تندگویان وزیر شهید غریب و آزاده‌ای است که امام موسی کاظم(ع) را الگو قرار داد و با تحمل غربت و شکنجه‌های فراوان در جوار حرم آن امام شریف دعوت حق را لبیک گفت و بدن مطهرش را بعد از چندین سال دوری از خانواده در آذرماه ۱۳۷۴ به ایران اسلامی و به آغوش خانواده آوردند.

درود بر شما پدر، مادر، همسر، خواهر و فرزندان صبوری که رنج دوری و سرانجام شهادت غریبانه محمد جواد را جان خریدید و باز هم گفتید و می‌گویید: راضی هستیم به رضای خدا تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل ۱۵ سال دوری، گاه و بیگاه خبر از زنده بودن وی و گاه خبر از شکنجه‌های دردناکی که بر وی وارد کردند و بالاخره خبر شهادت و استقبال از جنازه پاک و مطهرش که از کنار حرم خون رنگ حسین(ع) و ابوالفضل(ع) و از کنار مرقد مطهر مولا علی(ع) و مزار امام موسی کاظم(ع) و امام حسن عسگری(ع) به میهن وارد شد. و خوشا آنان که اگر دستشان به آن بقاع متبرکه نرسید، لیکن در جوار آن عزیزان صبر کردند و شیرینی صبر را چشیدند.

شهید تندگویان در کنار فعالیتهایی که داشت چه نظری بیرامون فعالیت بانوان بخصوص شما و همسرشان داشت؟

– خصوصیت عمده جواد مبارزه با سنتهای جاهلی و غلط، و ارایه طریق درست و صراط مستقیم در اندیشه و رفتار زندگی عملی خود بود. طبیعی است که به ازدواج نیز به عنوان بخشی از این برنامه مبارزاتی می‌اندیشید؛ لذا انتخاب و گزینش او خارج از محدوده فرمایشی آن زمان و بر محور اعتقادات و باورهای صحیح اجتماعی و معیارهای روشن ساده‌زیستی بود.

پس از ازدواج، با ارزش و اهمیتی که برای زنان و نقش آنها قایل بود، عرصه فعالیت و مطالعه گسترده‌ای را برای همسر خود که دختری ۱۶ ساله بود، فراهم کرد و در حقیقت بخش عمده‌ای از رشد خانم برادرم در منزل همسر صورت گرفت. کتابهای متعدد را برای مطالعه تهیه می‌کرد و نقش عمده‌ای در فعالیتهای منزل و مشارکت در امور خانواده بخصوص در نگهداری از بچه‌ها داشت. حتی پس از پذیرش مسئولیت پاکسازی مناطق نفت‌خیز و وزارت هم، دست از کمک و همکاری در کنار همسر و در قبال مسؤلیت بچه‌ها بر نداشت. اولین دختری که خداوند به او عنایت فرمود با توجه به تأثیر عمیقی که از شخصیت هاجر در کتاب حج گرفته بود، اسم او را هاجر گذاشت و علاقه شدیدی به او ابراز می‌کرد. دختر دوم او مریم با وجود سن کم، آنقدر از جواد محبت و توجه دیده بود که تا مدتهای زیادی بهانه پدر می‌گرفت و بی‌تابی می‌کرد. معمولاً در سر سفره غذا بچه‌ها اطراف او می‌نشستند و با علاقه در غذا خوردن به بچه‌ها کمک می‌کرد. هنگام حضور در نمازجمعه گاه با احساس مسؤولیت زیاد بچه‌ها را با خود به صف مردان می‌برد و با محبت آنها را در کنار خود جای می‌داد.

شهید تندگویان در مقام یک همسر چه رفتاری داشت؟

–رفتار او گرم، صمیمی و بامحبت بود. هر زمان که از در منزل وارد می‌شد با او نشاط و شادی هم می‌آمد. حتی در زمانی که به شدت درگیر مشکلات سیاسی و اجتماعی بود و از بسیاری فرصتهای شغلی محروم شده بود و طبیعتاً دچار مشکل معیشتی شده بود، رفتارش تغییر نکرد، کماکان با همان روحیه محبت و رأفت برخورد می‌کرد. بسیار سخاوتمند و اهل بذل و بخشش و انفاق بود و در این رابطه هیچ کس را از نظر دور نمی‌داشت و از تمامی توان جسمی، فکری و مالی خود بدین منظور استفاده می‌کرد.

روحیه مردمی و همدردی و همدلی او باعث می‌شد که هر کس در مشکلاتش به او رجوع کند و از او پاسخ مثبت بشنود، همین رفتار را با محبتی عمیقتر نسبت به مادر و خواهر خود داشت. جواد نه تنها یک پسر و یک برادر، بلکه بیشتر یک مربی و استاد برای تک تک اعضاء خانواده محسوب می‌شد و همه عاشقانه او را دوست داشتند و حقیقتاً هیچ چیز و هیچ کس فقدان او را جبران نکرد و اگر لطف خدا نبود، صبوری کردن بر مصیبت او غیر ممکن می‌نمود.

از مراسم ازدواج شهید تندگویان برای خوانندگان بگویید.

– جواد جلسات متعدد با همسر خود به گفتگو نشست و میزان همفکری، همراهی و بودن خود و ایشان را در محورهای مختلف، فعالیتهای سیاسی و اجتماعی بررسی کردند و پس از توافقهای اولیه با احترامی که برای خانواده قایل بود، مراسم تکمیلی خواستگاری انجام گرفت و مراسم عقد ازدواج او با اینکه تنها پسر خانواده بود در شرایطی بسیار ساده و تعجب‌آور در محضر انجام گرفت. او اعتقاد داشت که آیته و شمعدان برای هنگامی بوده که سیستم روشنایی سراسری نبود و لزوما بایستی روشنایی را از طریق شمعدان فراهم می‌کردند؛ پس دیگر دلیلی برای این اشیاء دست و پاگیر و غیر ضروری به چشم نمی‌خورد.

او همچنین از خرید هر گونه جواهرآلات و طلا، با توافق همسرش، خودداری کرد و اعتقادش این بود که اینها سنگی بیش نیست و حیف از انسان است که سنگ را زینت خود بداند! به هر حال در ازدواجشان جز یک مراسم ساده عقد هیچ برنامه‌ای نداشت.

شرایط اقوام نیز موقعی درک خواهد شد که شرایط سالهای ۵۰ - ۴۹ و اوج تجمل‌گرایی و هدف‌زدگی آن سالها و شئونات غلط حاکم بر عقد و ازدواج را شناخته باشیم. در کل، نحوه عملکرد او الگویی برای دوستان و فامیل شد و پس از آن با رفع موانع مادی، تعداد زیادی از دوستان وی ازدواج کردند.

از فعالیتهای سیاسی شهید تندگویان چه نکاتی به خاطر دارید و آیا شما هم در این فعالیتها شرکت می‌کردید؟

– محمدجواد اصولاً یک انسان متعهد آگاه و مسئولی بود که در هیچ صحنه‌ای حاضر به غیبت و خسران در مسئولیت نبود. بنابراین علی‌رغم مجاهدتها، زندانها و شکنجه‌های قبل از انقلاب در جریان پیروزی انقلاب نیز متعهدانه در عرصه مقابله و مبارزه حاضر شده و در چاپ و پخش اعلامیه، ایراد سخنرانی، حضور در راهپیمایی، نشر بولتنهای خبری، شرکت در کمیته استقبال، حضور در صف مترجمین و پاسخگویی به خبرنگاران خارجی در عملیات تشییع و به خاکسپاری شهدا در بهشت‌زهرا، حمل مجروحین و صدومین و شرکت فعالانه در مجاهدتهای شبانه و تهییج و تحرک کارگران کارخانه پارس الکتریک و چند کارخانه دیگر فعالیت داشت.

اما دیدگاه جواد با توجه به اینکه دید باز و روشنفکرانه‌ای نسبت به مسایل داشت و جایگاه همه را عادلانه در نظر داشت، بدین جهت با تقوا و خود کنترلی که داشت، در تدریس دروس عربی و زبان انگلیسی که لله انجام می‌داد، فرقی برای دختر و پسر فامیل قایل نبود و یا در فعالیتهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی دانشکده و محیطهای شغلی خود عرصه‌های مناسبی را برای رشد همکاران خواهری که در کنار او بودند فراهم کرد. شاهد بر این مطلب، تشویق و ترغیبی بود که نسبت به همسر خود، بندو و دوستانم در ادامه تحصیل و مشارکت فعال در صحنه‌های سیاسی، اجتماعی آن زمان، حضور در حسینیه ارشاد و استفاده از مکانهای فرهنگی آن دوران، داشت.

شما به عنوان خواهر یک شهید چه پیامی برای خوانندگان دارید؟

– این احساس من است که شهدا به عنوان معلمین و الگوهای ارزشی انقلاب، بهترین کلاس درس را آفریدند، کلاسی که کتاب آن جراحت و خون، درد و رنج، ایثار و گذشت، جانبازی و شهادت بود و در این راه جز رضای خداوند هیچ مطالبه‌ای نداشتند و آنچنان محو در فنا شدند که هیچ تعین مادی از آنها باقی نمانده است. آنها آنچه باید می‌کردند؛ کردند و گفتند و به منصه ظهور در آوردند؛ این ما هستیم که باید شاگردانی هوشیار، بیدار، آگاه در مکتب آنان باشیم تا در قیامت شرمنده چهره گلگون و نگاه پرسشگرشان نباشیم.

ارتباط ما با شهیدان یک ارتباط الحاقی است. باید شایستگی ایمانی را در خود حفظ کنیم و گرنه پیوند نسبی به هیچ عنوان، حافظ ارتباط در قیامت و بهره‌گیری از شفاعت نخواهد بود، چنان که داستان نوح پیامبر و فرزند متخلف او عبرتی در این راه است که «هذا فراق بینی و بینک». ان شاءالله که هیچ گاه حال ما این گونه نگردد.

نظر شما در مورد جایگاه بانوان در جامعه چیست و چه نظری در رابطه با وضعیت نشریات بانوان دارید؟

– به لطف الهی و به برکت نورانیت انقلاب و دید روشن امام راحل و مقام معظم رهبری، جایگاه زنان در انقلاب اسلامی روز به روز به محور حقیقی خود نزدیکتر می‌شود.

البته با عنایت خاصی که رئیس جمهور محترم به مسایل خاص بانوان داشته‌اند، عرصه فعالیت بسیار گسترده شده و مهم این است که زنان و دختران ما با فعالیت علمی و مطالعاتی وسیع‌تر در تعمیق دانش خویش بکوشند و سطح توانایی و کارآیی خویش را بالا ببرند. و با باور نقشهای متعهد مادری و همسری اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خویش قدم به عرصه فعالیتها بگذارند تا شخصاً جامعه بپذیرد که شایستگی نهایی از آن آنهاست؛ زیرا که امام(ره) می‌فرمایند: «زن مربی جامعه است» و بر این اساس، شایستگی مردان از ناحیه شایستگی زنان و ایفاء نقش جدی، صحیح و مربی گری آنها فراهم خواهد شد.

مردان شایسته در دامان زنان شایسته پرورش می‌یابند و این حقیقتی است که جامعه جهانی در روند رشد و توسعه باید باور کند.

اما در مورد نشریات بانوان به طور خاص گرایش عمیقی به پیام زن پیدا کرده‌ام و این بیان نه از روی مداحی است و نه اغراق، بلکه محتوا و مضمون این نشریه و مقالات خوب و وزین آن عاملی در جهت جذب بنده گشته است؛ البته بنا به ضرورت شغلی و نیاز به اطلاع از روند محتوایی مطبوعات تا حدی سایر نشریات را هم مرور می‌کنم اما بیشتر ترجیح می‌دهم که مباحث خاص پژوهشی در رابطه با مسایل زنان که مبتنی بر مطالعات میدانی و بررسیهای وسیعی است، را داشته باشم.

شعله های زیبای آتش زیبایی ها را نابود می کند
سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی بندرعباس